

Institutional Analysis on the Development of Overpoliticization of Iranian Society

Mostafa Jahanbakhsh

Ph.D. Student in Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

m.jahanbakhsh@ut.ac.ir

Hamid Ahmadi

Corresponding Author, Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).

hahmadi@ut.ac.ir

Abstract

Modern society, due to the complexity and precise division of labor that creates plurality and diversity, requires the participation and activity of intermediary institutions to collect, transfer and follow up demands from the political system. Also in Iranian society, since the beginning of constitutionalism, due to major changes in the political environment, parliament and political parties have entered the political arena and played a role as mediating institutions. The main concern of this research is to investigate the performance of political institutions in transferring and following up the demands and mediating between the government and society in order to alleviate politicization in society. Therefore, at first, the institutional level in political parties and the Islamic parliament has been investigated using Huntington's four model based on versatility, complexity, independence and coherence. The results show the basic challenges, including the lack of fit with the complexities of today's society and the neglect of functional correlation, the affectability of the political system, and the weakness of cohesion as well as the internal trust in aforementioned political institutions, which cause an institutional crisis. In the following, the effects of this crisis on the Iranian society have been evaluated, focusing on its role in the development of overpoliticization that has consequences. These consequences include the reduction of institutional trust and the weakening of the grounds for the formation of institutions, preferring group and private interests over public interests, overtaking political participation over the culture of competition and weakening the rules of the civil game, and ultimately increasing violence in the absence of peaceful solutions to pursue demands. The inappropriate functioning of the institutions as mediating elements has caused the diverse and numerous requests and demands of the society to be directed at the political system. The inability of the political system to respond to the demands has become a platform for strengthening political approaches to solving problems and developing politicization in the society.

Keywords: Politicization, Institutional Crisis, Praetorian Society, Political Currents, Islamic Parliament.

تحلیل نهادی بر توسعه سیاست‌زدگی جامعه ایرانی

مصطفی جهانبخش

دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،
تهران، ایران.
m.jahanbakhsh@ut.ac.ir

حمید احمدی

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
hahmadi@ut.ac.ir

چکیده

جامعه مدرن به دلیل پیچیدگی و تقسیم‌کار دقیق که به وجود آورنده تکثر و تنوع است، نیازمند مشارکت و فعالیت نهادهای میانجی برای تجمیع، انتقال و پیگیری مطالبات از نظام سیاسی است. در جامعه ایرانی نیز از آغاز مشروطیت به دلیل تغییرات بزرگ در فضای سیاسی، مجلس شورا و احزاب سیاسی به‌عنوان نهادهای میانجی وارد عرصه سیاست شده و به نقش آفرینی پرداخته‌اند. دغدغه اصلی این پژوهش بررسی عملکرد نهادهای سیاسی در انتقال و پیگیری مطالبات و واسطه‌گری میان دولت و جامعه در راستای کاهش سیاست‌زدگی در جامعه است؛ بنابراین در ابتدا سطح نهادمندی در احزاب سیاسی و مجلس شورای اسلامی با استفاده از الگوی چهارگانه هانتینگتون مبتنی بر تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصله بیانگر چالش‌های اساسی از جمله عدم تناسب با پیچیدگی‌های جامعه امروزی و غفلت از همبستگی کارکردی، تأثیرپذیری از نظام سیاسی و ضعف در انسجام و اعتماد درونی در نهادهای سیاسی مذکور است که موجب بحران نهادمندی شده است. در ادامه آثار این بحران بر جامعه ایرانی با محوریت نقش آن در توسعه سیاست‌زدگی ارزیابی شده است که پیامدهایی چون کاهش اعتماد نهادی و تضعیف زمینه‌های شکل‌گیری نهادها، ارجحیت یافتن منافع گروهی و خصوصی بر منافع عمومی، پیشی گرفتن مشارکت سیاسی بر فرهنگ رقابت و تضعیف قواعد بازی مدنی و درنهایت افزایش خشونت در غیاب راهکارهای مسالمت‌آمیز برای پیگیری مطالبات به همراه داشته است. کارکرد نامناسب نهادها به‌عنوان عناصر میانجی موجب شده است درخواست‌ها و مطالبات متنوع و متعدد جامعه متوجه نظام سیاسی شود. عدم توانایی نظام سیاسی در پاسخ‌گویی به مطالبات، بسترساز تقویت رویکردهای سیاسی به حل مسائل و توسعه سیاست‌زدگی در جامعه شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌زدگی، بحران نهادمندی، جامعه پراتوری، جریان‌های سیاسی، مجلس شورای اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

فصلنامه راهبرد، سال ۳۱، شماره ۲، پیاپی ۱۰۳، شهریور ۱۴۰۱، صص ۳۱۱-۳۴۶

مقدمه و بیان مسئله

پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی منجر به انتقال مفاهیم از قلمرو اندیشه به گستره واقعیت حیات سیاسی و اجتماعی ایران شد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص. ۳۷۳). تحقق چنین نظامی که از حاکمیت مردم ناشی می‌شد، جز با حضور سیاسی و مشارکت عمومی در تدبیر امور کشور ممکن نبود. نکته اساسی در توسعه مشارکت مردم، نیاز به نهادهایی است که بتوانند مشارکت مردم را ساماندهی کنند (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص. ۴۰). فقدان نهادهای سیاسی کارآمد، همواره گریبان‌گیر نظام سیاسی ایران در دوران معاصر بوده است. در فضای فقدان نهادهای میانجی، تفاهم و انعطاف در جامعه به حداقل رسیده و زمینه ایجاد گفتگو برای ارائه طرح مدون و راهگشا برای مسائل مهم جامعه کاهش یافته و بستر ایجاد تنش (Bauer & Ege, 2012, p. 71) و توسعه سیاست‌زدگی فراهم می‌شود. سیاست‌زدگی در جامعه ایرانی مفهومی متأخر و جدید است که پس از تغییر در ساختارهای سیاسی از زمان انقلاب مشروطه و با توسعه مشارکت سیاسی، بدون پیش‌زمینه‌های موردنیاز؛ از جمله ایجاد نهادهای مناسب شکل گرفته است. این موضوع پیامدهای مختلف و فراوانی به همراه داشته و بسیاری از ارکان جامعه ایرانی را درگیر کرده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی آثار بحران نهادمندی بر توسعه سیاست‌زدگی در جامعه ایرانی پس از انقلاب اسلامی است.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. سیاست‌زدگی^۱

سیاست‌زدگی یا سیاسی‌شدن، مفهومی نسبتاً جدید در معارف سیاسی است. واژه سیاسی‌شدن یا سیاست‌زدگی برای اولین بار در سال ۱۹۰۷ در آلمان توسط «کارل لمپخت»^۲ در مورد «سیاسی‌شدن جامعه»^۳ در معنای افزایش علاقه به سیاست استفاده شد. در فرهنگ آکسفورد، سیاسی‌شدن به معنای «عمل یا فرآیند

1. Politicization

2. Karl Lamprecht

3. die Politisierung der Gesellschaft

سیاسی‌سازی یا استوار ساختن بر پایه سیاست است؛ در واقع سیاسی شدن چیزی است» (Riste, 2009, p. 180)، تعریف شده است. این تعریف بیانگر نفوذ سیاست به تمامی حوزه‌های غیرسیاسی و اختلال و ترکیب امور با سیاست؛ اما سیاست‌زدگی در این پژوهش دارای بار روانی منفی برعکس سیاسی‌سازی در جامعه است. به بیان روشن‌تر، سیاست‌زدگی استفاده از سیاست (ناسالم) به شکل افراطی و سنجش تمام جنبه‌های زندگی شخصی از جمله اجتماعی و هنری و ادبی، براساس آن است (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳، ص. ۵۲۷). مشخصه اصلی سیاست‌زدگی در جوامع جهان سوم، سیاه‌وسفید، حق و باطل و صفر و صد دیدن تمامی امور است. نتیجه این پدیده آن است که تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها تک‌بعدی و سیاسی شده و راه برون‌رفت از تمامی مسائل نیز سیاسی خواهد شد. بنابراین، این پدیده نوین سیاسی وضع موجود را مختل (Palonen, 2003, p. 184) و در پی ایجاد تغییرات در همه حوزه‌ها با تأکید بر تحولات سیاسی است. سیاست‌زدگی در این پژوهش به معنای استفاده ناسالم از سیاست در تمامی جوانب زندگی که به دلیل فقدان روندهای مطلوب برای انتقال مطالبات از جامعه به نظام سیاسی در شرایط وجود بحران نهادمندی و خلأ نهادهای کارآمد است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

مایکل متلین^۱ در کتاب «جامعه سیاسی شده؛ سایه طولانی میراث تک‌حزبی در تایلند» به پدیده سیاسی شدن ساختاری در کشور تایلند می‌پردازد. از نظر وی سیاست‌زدگی موجب قطبی شدن نظریات سیاسی و عدم تحمل عقاید متفاوت خواهد شد؛ زیرا موضوعات سیاسی از نهادهای رسمی سیاسی خارج شده و در تمامی شئون زندگی جامعه نفوذ می‌کند که زمینه‌ساز افزایش تفرقه و نقش پررنگ و برجسته سیاست در جامعه است. عباس میلانی در کتاب «تجدد و تجدد ستیزی» به سیاست‌زدگی در میان روشنفکران متمرکز شده است. از نظر وی جامعه ایران از بسیاری از جهات تجدد را تجربه کرده، بسیاری از جوانب و ظواهر و حتی نهادهای تجدد را پذیرفته؛ اما پوسته سنت هنوز باقی است و به شیوه‌های گوناگون بر ساخت و بافت اجتماعی، در سطوح فردی و گروهی و نهادی، سایه انداخته است. دکتر رضا کاظمی نیز معتقد است روشنفکری در ایران که با انقلاب مشروطه آغاز شده و از همان آوان شکل‌گیری روشنفکری، با نوعی سیاست‌زدگی همراه شده است. این

وضعیت نتیجه فقدان فضای باز و دموکراتیک بود که هرگونه تلاش اجتماعی را به نوعی رادیکالیسم سیاسی ختم می‌کرد و تسخیر قدرت سیاسی، هدف نهایی آن بود. آقای سیدباقری در مقاله «عوامل سیاست‌زدگی در میان حوزویان و راه‌های برون‌رفت از آن» عنوان می‌کند در برخی مواقع و در میان تعدادی از طلاب به‌ویژه جوان می‌توان عوامل سیاست‌زدگی را در اموری چون تحلیل‌های تقلیدی، خودحقوق‌پنداری و انحصارطلبی، تحلیل و رفتارهای افراطی و تفریطی و فعالیت‌های خلاف شرع و قانون پی‌جویی کرد. گفتنی است تمرکز پژوهش‌ها در مورد سیاست‌زدگی، معطوف به بروکراسی و سازمان‌های اداری و به‌عنوان امری برای تضعیف شایسته‌سالاری با دخالت نامناسب ساختار سیاسی است.

۳-۱. چارچوب نظری

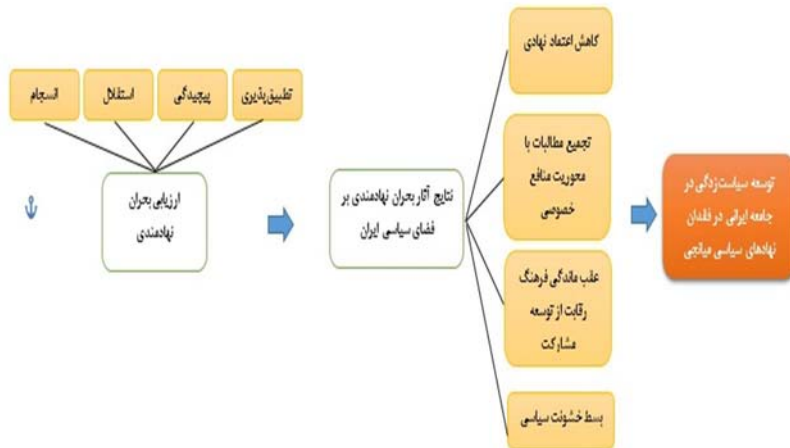
چارچوب نظری این پژوهش بر جامعه پراتوری هانتینگتون استوار شده است. در اصل پراتوریانیسم توصیف حکومت نظامی در روم باستان و بیشتر به مداخله نظامیان در سیاست اطلاق می‌شود (Oxfordreference, 2023). ولی از منظر هانتینگتون جامعه پراتوری اشاره به جامعه سیاست‌زده است که نیروهای اجتماعی در امور سیاسی آن دخالت دارند. البته در همه جوامع، گروه‌های اجتماعی متخصص در سیاست درگیر می‌شوند؛ اما آنچه این گروه‌ها را در یک جامعه پراتوری سیاسی‌تر می‌سازد، فقدان نهادهای سیاسی کارآمدی است که می‌توانند کنش سیاسی گروهی را تعدیل به تهذیب کنند. در چنین شرایطی گروه‌های اجتماعی به سمت رویارویی مستقیم با یکدیگر حرکت می‌کنند و هیچ‌گونه توافق سیاسی درباره راه‌های حل اختلاف وجود ندارد (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص. ۲۸۵-۲۹۳).

هانتینگتون در دسته مطالعات نهادگرایی تجربی (Peters, 2000, p. 3) قرار دارد. رویکرد تجربی به‌عنوان سیاسی‌ترین رویکرد نهادگرایی نوین، به دنبال استفاده از روش‌های جدید در علوم اجتماعی تجربی برای ارزیابی نقش نهادها در عملکرد و کارایی حکومت‌ها است. بر همین اساس هانتینگتون معتقد است نابسامانی سیاسی در دهه‌های اخیر جوامع در حال گذار، بیش از همه تحت تأثیر دگرگونی سریع اجتماعی می‌باشد که در بخش‌های غیر غربی جهان بسیار پررنگ‌تر است؛ زیرا مسائلی چون تمرکز اقتدار، تحرک اجتماعی، یکپارچگی ملی، توسعه اقتصادی، اشتراک سیاسی و رفاه اجتماعی، هم‌زمان پدید می‌آیند. در این شرایط تحرک اجتماعی اشتراک سیاسی رشد زیادی داشته ولی نهادی شدن امور بسیار پایین

هستند. در نتیجه بحران نهادمندی ایجاد و زمینه‌ساز توسعه سیاست‌زدگی می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص. ۱۱-۷۷).

نهادمند شدن فرآیندی است که سازمان‌ها و شیوه‌های عمل با آن‌ها ارزش و ثبات می‌یابند. سطح نهادمندی هر نهاد سیاسی را می‌توان با تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام نهادها و شیوه‌های آن نظام تعیین کرد. تطبیق‌پذیری ویژگی نخست و اکتسابی است به این معنا که هر چه محیط یک سازمان پرفرازونشیب تر و عمرش بیشتر باشد، نسل‌های بیشتری را ساماندهی کرده و کارویژه‌های متفاوتی را در دوران متفاوت تجربه کرده است. پیچیدگی به‌عنوان ویژگی دوم مستلزم تعدد خرد واحدهای سازمانی از جهت سلسله‌مراتب و کارکرد است. هرچه شماره و تنوع خرد واحدها بیشتر باشد، توانایی سازمان برای تضمین و نگهداشت وفاداری‌های اعضایش بیشتر است. ساده‌ترین نظام سیاسی آن است که با وابسته یک فرد باشد. استقلال به‌عنوان مهمترین ویژگی نهادهای سیاسی نشان‌دهنده تابعیت و وابستگی کمتر به اشخاص و گروه‌های خاص و توانایی در جذب نیروهای اجتماعی به‌ویژه نیروهای جدید است و در نهایت انسجام حاکی از وجود توافق اساسی در مورد مرزهای کارکردی گروه و روش‌های از میان برداشتن کشمکش‌هایی که در درون این مرزها است (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص. ۲۴-۵۱).

این پژوهش در پی شناخت و ارزیابی تأثیر بحران نهادمندی در توسعه سیاست‌زدگی جامعه ایرانی پس از انقلاب اسلامی با استفاده از چارچوب نظری مذکور است. ولی با توجه به تاریخی بودن ساختارهای اجتماعی (اسمیت، ۱۳۸۶، ص. ۶۱)، برحسب ضرورت، یک نگاه کلی به وضعیت نهادها از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی نیز شده است. بنابراین در این پژوهش ابتدا بحران نهادمندی در دو نهاد سیاسی احزاب و مجلس مورد بررسی و آثار آن در جامعه ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است.



نمودار (۱): بررسی روند آثار بحران نهادمندی بر توسعه سیاست‌زدگی

۲. ارزیابی نهادهای سیاسی بر اساس چارچوب نهادی هانتینگتون

نهادهای سنتی چون روحانیت و مسجد، خانواده‌ها، قهوه‌خانه‌ها، دولت و نظام سیاسی در جامعه ایرانی پیشامدرن، دارای سابقه طولانی بوده و توانسته‌اند بر برخی از تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اثرگذار باشند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱، ص. ۴۰۱). با این وجود باید به این نکته اساسی اشاره داشت که حوزه مطالعاتی در این پژوهش درباره نهادهای سیاسی پس از انقلاب اسلامی متمرکز است که در کنترل یا تأثیرگذاری بر قدرت فعال بوده و به‌عنوان واسط میان دولت و جامعه به ایفای نقش پرداخته‌اند. با توجه به نقش احزاب و مجلس شورای اسلامی در تحولات سیاسی پس از انقلاب و همچنین ارتباط دوسویه آنها با جامعه و دولت، در ادامه میزان نهادمندی این نهادهای سیاسی بر اساس مدل چهارگانه هانتینگتون مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۲-۱. احزاب سیاسی

احزاب با میانجی‌گری بین جامعه مدنی و نمایندگان منتخب (ترنس‌تروم و ادبربرگ، ۱۳۹۵، ص. ۲۲)، ایفاگر نقش‌های حیاتی در دوران مدرن هستند. شکل‌گیری احزاب سیاسی به مفهوم جدید و مدرن آن در ایران، پیوند استواری با عصر مشروطیت دارد (فیرحی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۲). این روند با انقلاب اسلامی و تقویت وجوه مردم‌پایگی

حکومت؛ به‌ویژه در قانون اساسی تقویت شده است. در یک تحلیل کلی، احزاب سیاسی در ایران به معنای تفکرانی که در عرصه اجتماعی وارد و اجتماعی شده‌اند (خواججه سروی و شاعری، ۱۳۹۳، ص. ۲۰۰) به سه جریان فکری چپ، ناسیونالیسم و اسلامی یا مذهبی (مدیرشانه چی، ۱۳۷۵، ص. ۳۱) تقسیم می‌شوند. با این حال در دوران پس از انقلاب اسلامی تقویت پیوندهای جامعه با جریان‌های مذهبی و نگرش اقتدارگرایانه در ذات این جریان (فیرحی، ۱۳۷۸، ص. ۳۱۰) موجب شد سایر جریان‌های سیاسی (ملی‌گرا و چپ) در حاشیه قرار گرفته و به‌مرور زمان از ساختار سیاسی ایران حذف شوند.

جریان مذهبی با حذف رقبای خود که سابقه فعالیت‌های سیاسی پس از جنبش مشروطیت را داشتند، زمینه‌ساز تک‌ساحتی شدن عرصه سیاست شد که این امر در حزب جمهوری اسلامی، متبلور شد. ولی پس از مدتی، عدم انسجام لازم در حزب جمهوری اسلامی و خروج جامعه ایرانی از شرایط التهابات سیاسی ابتدای انقلاب، زمینه فروپاشی آن فراهم آمد. به‌نحوی که در دهه ۱۳۶۰، جریان مذهبی در ایران دارای دو جناح اصلی «راست و چپ» بود. جناح راست، دارای مشخصاتی چون مخالفت با نوگرایی و محافظه‌کاری، تأکید بر نهادهای سنتی در جامعه و در مقابل، جناح چپ خواستار تغییرات کلی و سریع اجتماعی، تمرکز دولتی، گرایش به سنت‌شکنی بود (شادلو، ۱۳۷۹، ص. ۱۷-۱۹).

از مهمترین نمایندگان جریان راست مذهبی می‌توان به احزابی چون جامعه روحانیت مبارز، حزب مؤتلفه اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی ایران اشاره کرد و در مقابل مجمع روحانیون مبارز، حزب جبهه مشارکت ایران و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از جمله مهمترین احزاب و تشکل‌های جریان چپ اسلامی هستند؛ بنابراین با عنایت به تمرکز این پژوهش بر دوران پس از انقلاب اسلامی، جریان مذهبی یا اسلامی به‌عنوان نمونه بر اساس چهارچوب نظری مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۲-۱-۱. تطبیق‌پذیری

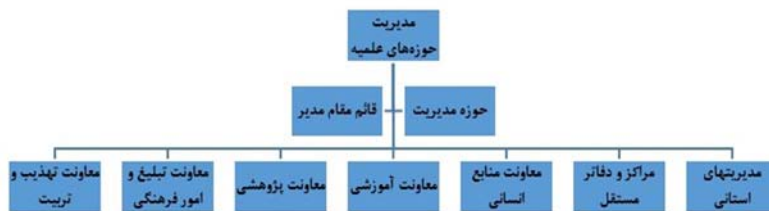
جریان مذهبی در ایران یکی از پر سابقه‌ترین و منسجم‌ترین نهادها بوده است. این سابقه، زمینه‌ساز کسب تجربیات بیشتر برای این نهاد در سازگاری و انطباق‌پذیری شده است؛ بسترهای و زمینه‌های اجتماعی موجود در این جریان موجب شده است پس از انقلاب اسلامی، سایر جریان‌های سیاسی مقهور آن شده و از متن عرصه سیاسی ایران به حاشیه رانده شوند. در همین راستا جریان مذهبی در عمر طولانی خود،

نسل‌های متعددی را جذب و ساماندهی کرده است؛ به‌نحوی‌که از دوران صفویه به بعد، مکتب تشیع به‌عنوان اساس تعلیم و دال مرکزی گفتمان مذهبی بوده است. در این میان، باید به این نکته اشاره کرد که با مراجعت روحانیون از عراق به ایران در سال ۱۱۵۰ شمسی، بستر تقویت نهضت اصولی در برابر اخباری فراهم شده که درنهایت، زمینه‌ساز ظهور مقام مرجعیت شد (فوران، ۱۳۷۷، ص. ۱۴۱). اجتهاد با بهره‌گیری از ادله شرعی به تولید احکام و قواعد زندگی؛ و به‌ویژه زندگی سیاسی شیعه می‌پردازد.

اولین ویژگی آن، ذات و سرشت برابرپاورانه و مردم‌گرایانه است. از این‌رو، هر فردی با کسب تعلیم لازم می‌تواند به مقام مرجعیت برسد که این امر باعث کاهش تنازع‌های درونی برای ارتقای افراد شد (فیرحی، ۱۳۷۸، ص. ۳۰۸-۳۱۲). دوم اینکه باعث تمرکز اقتدار معنوی و نفوذ اجتماعی پراکنده در معدودی افراد به‌عنوان مراجع تقلید شده و در ادامه، بر اساس تمرکز ایجاد شده، نظام سلسله‌مراتبی شکل گرفت و درنهایت تمرکز رهبری و ایجاد نظام شبکه‌ای منسجم، موجب ساماندهی جذب وجوه مردمی و افزایش قدرت مالی این نهاد شد (آزاد ارمکی و جنادله، ۱۳۹۳، ص. ۴۷). بر همین اساس، جریان مذهبی بر مبنای ساختار مرجعیت تاکنون توانسته است تغییرات را در یک قالب منضبط سامان داده و چالش‌های جایگزینی را به حداقل برساند.

۲-۱-۲. پیچیدگی

ساختار نهاد دین با سلسله‌مراتب گسترده، خرده - واحدهای سازمانی متعددی را برای جذب و بسط نفوذ ایجاد کرده است. با گسترش حوزه‌های علمیه و افزایش طلاب و علم‌آموزان، تمامی مناصب اداری، قضایی، فرهنگی و مالی مکتب تشیع، در اختیار شاگردان و طلاب مدارس دینی قرار گرفت که زمینه‌ساز ایجاد وحدت و انسجام مذهبی - اجتماعی و درنهایت سیاسی شد (فیرحی، ۱۳۷۸، ص. ۳۰۲). این ساختار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با حضور مستقیم در ساختار قدرت، گسترش قابل‌توجهی داشته که در نمودار زیر نمایش داده شده است.



منبع: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم: <https://ismc.ir/>

نمودار (۲): ساختار و تشکیلات سازمانی حوزه علمیه

ساختار گسترده مذکور از نظر جغرافیایی و کمی به شدت توسعه یافته است و تقریباً هیچ مکانی در قلمرو ایران نیست که فعالیت‌های مذهبی در آن انجام نشود. همچنین توسعه کیفی آن در سطوح مختلف از جمله تبلیغات، آموزش و پژوهش است که بر توانایی‌های این نهاد و قدرت نفوذ فکری و عقیدتی آن افزوده است. با این حال، توسعه و گسترش جریان مذهبی با محوریت روحانیون، سنتی بوده و پس از انقلاب اسلامی و به مرور زمان، در حال از دست دادن کارکردهای نهادی خود به دلیل عدم تناسب با نیازها و مطالبات جامعه پیچیده امروزی است.

با عنایت به تغییرات ایجاد شده در جامعه ایرانی، احزاب مدرن از جناح راست (حزب کارگزاران) و چپ (جبهه مشارکت) جریان مذهبی از نیمه دوم دهه ۷۰ وارد عرصه سیاسی شده و به تبعیت از احزاب نوین در جهان، اقدام به ساختار سازی گسترده کردند. حزب کارگزاران برای پیشبرد امور تشکیلاتی خود، شورای مرکزی و چهار دفتر استانی ایجاد کرده است. علاوه بر موارد مذکور، دارای کمیته سیاسی حزب نیز می‌باشد.^۱ جبهه مشارکت ایران اسلامی نیز از همان بدو تأسیس اقدام به عضوگیری و سازماندهی نیروها کرد و توانست در مدت کوتاهی در بخش قابل توجهی از کشور تشکل‌های منظم هواداری ایجاد کند (شادلو، ۱۳۸۶، ص. ۳۷۷-۳۷۸).

به نحوی که مؤسسان اولیه این تشکل، ترکیبی از ۱۱۰ شخص حقیقی و حقوقی از اقشار مختلف جامعه اعم از دانشگاهیان، بانوان، سیاسیون، روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان و اصناف بودند (دارابی، ۱۳۸۸، ص. ۳۴۹). تنوع اعضا قدرت جذب این تشکل سیاسی را به شدت افزایش داد.

1. <https://www.kargozaran.net>

۲-۱-۳. استقلال

مهمترین چالش در رابطه با استقلال جریان مذهبی، چالش‌های ایجاد شده به واسطه نوع رابطه با ساختار سیاسی بوده است. پس از انقلاب اسلامی، فرآیند وابستگی میان جریان مذهبی و حکومت، به مرور تقویت شده است؛ به نحوی که با تشکیل شورای عالی حوزه‌های علمیه از سال ۱۳۷۴ و از سال ۱۳۷۱ با افزایش سهم دولت از بودجه حوزه‌های علمیه، بر نقش دولت در مدیریت حوزه، افزوده شده است. در حالی که حوزه علمیه یکی از نهادهایی است که به طور سنتی بر پایه منابع مردمی اداره می‌شده است (آزاد ارمکی و عالمی نیسی، ۱۳۹۱، ص. ۱۸-۲۰). این امر موجب شد این جریان در راستای تقویت ساختار سیاسی، به مبارزه و حذف و تنگ کردن دایره نهادمندی در جامعه ایرانی پرداخته سایر جریان‌های سیاسی به‌ویژه جریان‌های مدرن را از عرصه سیاسی ایران حذف کند. تشکیل حزب جمهوری اسلامی و به حاشیه راندن جریان‌های ملی و چپ در همین راستا قابل تفسیر است.

با وجود ظهور احزاب مدرن از بطن این جریان، همچنان وابستگی به قدرت و سیاستمداران، یکی از مشخصات بارز آنها است. به عنوان مثال، «جبهه مشارکت ایران اسلامی» از صاحب‌منصبان سیاسی برجسته‌ای؛ چون محمدرضا خاتمی (برادر رئیس‌جمهور وقت)، سعید جباریان، صفایی فراهانی، میردامادی و ... تشکیل شد، یا حزب کارگزاران سازندگی که با صدور بیانیه شانزده نفر از وزیران، معاونان رئیس‌جمهور و رئیس کل بانک مرکزی اعلام موجودیت کرد (نوذری، ۱۳۸۰، ص. ۲۷۷-۳۱۹). بنابراین وابستگی احزاب سیاسی به فرد یا گروه خاصی از سیاسیون، به قوت خود باقی مانده است. بنابراین در تاریخ پس از انقلاب، نه تنها احزاب سازنده قدرت نبوده، بلکه توسط قدرت ساخته شده‌اند. از این رو حیات و فعالیت آنها بسته به حمایت و پشتیبانی قدرت سیاسی بوده است. این امر از اواخر دهه ۷۰ با توسعه سیاسی تشدید شده است.

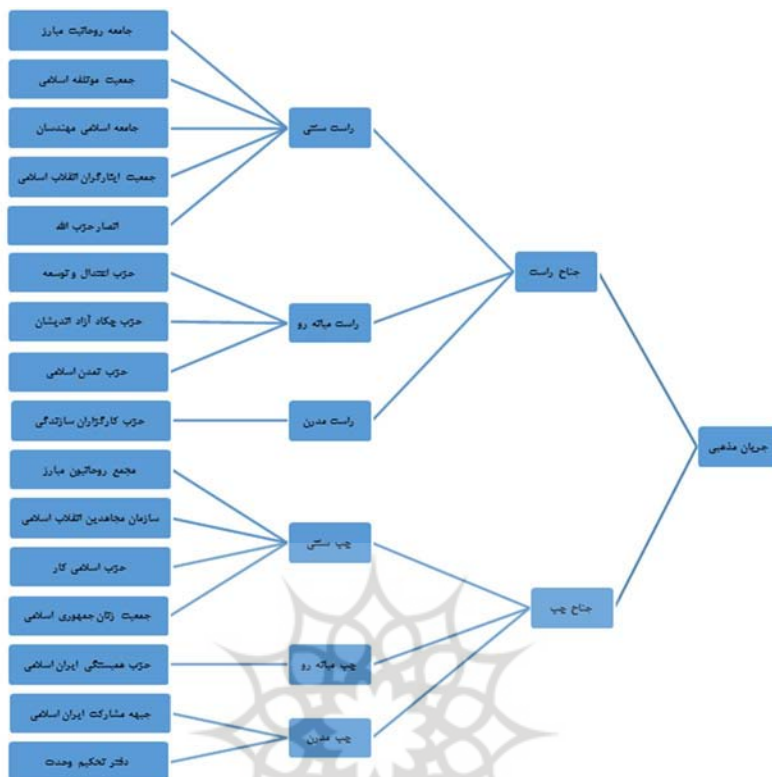
۲-۱-۴. انسجام

یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های انسجام در جریان مذهبی، رتبه‌بندی اعضا و نحوه ارتقای آنها در درون ساختار است. دین نقش ویژه‌ای را در ایجاد انسجام در جوامع سنتی، ذیل یک اجتماع اخلاقی واحد به نام امت متحد، ایفا می‌کرد (دورکیم، ۱۳۹۳، ص. ۶۳). اما در جامعه مدرن، به دلیل پیچیدگی و تقسیم کار دقیق که به وجود آورنده تکثر و تنوع است، کارکرد خود را از دست داده است.

علاوه بر این، توسعه سریع فناوری ارتباطات و رسانه‌های اجتماعی، باعث عمیق‌تر شدن تفاوت‌ها و افزایش تجربه‌های زیستی شده و امکان تجربه از نوع سنتی آن را تضعیف کرده است (فوکویاما، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۴-۱۲۵). بنابراین در جوامع جدید با عنایت به افزایش پیچیدگی‌ها و تقسیم‌کار، همبستگی انداموار (ارگانیکی)، جایگزین همبستگی مکانیکی می‌شود و ضرورت ایجاد همبستگی کارکردی افزایش می‌یابد (بشیریه، ۱۳۸۳، ص. ۷۹).

جریان مذهبی، به‌عنوان نهادی پرسابقه در ایران، در این زمینه با چالشی بزرگ مواجه بوده است؛ زیرا در دوران جدید با تغییر خصوصیت‌ها و ویژگی‌های جامعه، همبستگی مکانیکی کارکردهای خود را از دست داده است. مشکلات جریان مذهبی در انسجام درونی، با انقلاب اسلامی به‌عنوان یک انقلاب مدرن تشدید شد و عقب‌ماندگی از تحولات اجتماعی، موجب کاهش انسجام درونی شد؛ به نحوی یک دهه پس از انقلاب، اولین شکاف‌های اساسی در جریان مذهبی منجر به فروپاشی حزب جمهوری به‌عنوان نماد انسجام سیاسی در ۱۲ خرداد ۱۳۶۶ شد (جاسبی و پریزاد، ۱۳۹۴، ص. ۳۰-۳۱).

مشکلات ایجاد شده به‌واسطه گسست‌های پس از انقلاب، انسجام نیروها و طبقات اجتماعی را در نظام سیاسی تضعیف کرد. در این خلأ ایجاد شده، نیروها و طبقات اجتماعی مدرن توانستند در انتخابات ۱۳۷۶ به عرصه قدرت بازگشته و پایگاه اجتماعی جدیدی برای دولت را ایجاد کنند (بشیریه، ۱۳۷۸، ص. ۸۳). پس از انتخابات سال ۱۳۷۶ انسجام درونی جریان مذهبی با مشارکت نهادهای مدرن و شکل‌گیری جناح‌بندی‌های متعدد، بیش از پیش تضعیف شد؛ به‌نحوی که این جریان به احزابی از راست رادیکال تا چپ رادیکال با منش‌ها و رویکردهای متفاوت تقسیم شد.



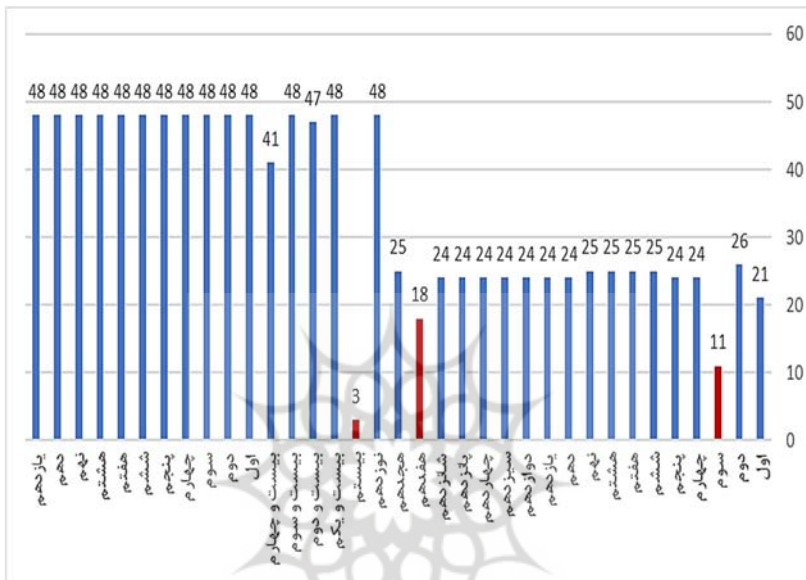
نمودار (۳): نمایی از شکاف در جریان مذهبی پس از انقلاب اسلامی

۲-۲. مجلس شورای اسلامی

پارلمان به‌عنوان نهادی مناسب برای گفتگو، مسئولیت منحصربه‌فردی را برای آشتی دادن تضادها و ساماندهی خواسته‌های گروه‌ها بر عهده دارد (Beetham, 2007, pp. 1-2). پارلمان مانند بسیاری از نهادهای مدرن، عنصری وارداتی بود که زمینه‌های مناسب؛ برای کارکرد مطلوب آن ایجاد نشد. ناآگاهی ایرانیان از این پدیده سیاسی، به‌وضوح در سخنان یحیی دولت‌آبادی درباره فضای حاکم بر مدرسه نظامیه قدیم، در زمان صدور فرمان مشروطیت، هویدا است. مشاهدات وی حاکی از این است که عموم مردم حاضر در این تحصن، فهمی از مجلس، قانون و حکومت مشروطه نداشتند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱، ص. ۸۴). در ادامه این نهاد سیاسی بر مبنای چارچوب نظری ارزیابی خواهد شد.

۲-۱. تطبیق‌پذیری

اولین دوره مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۴ مهر ۱۲۸۵ آغاز بکار کرد و تا انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مجموعاً ۲۴ دوره آن تشکیل شد. ادوار مجلس پس از انقلاب اسلامی با عنایت به اهمیت رأی و نظر مردم و افزایش وابستگی حاکمیت به آن بسیار منظم‌تر از پیش از انقلاب بوده است.



نمودار (۴): مدت‌زمان تشکیل ادوار مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی (به ماه)

مجلس شورا در مدت فعالیت ۱۱۶ ساله خود توانسته است اعضای جدیدی از نسل‌های متفاوت را در درون خود جذب نماید. به‌نحوی که در ادوار ۳۵ گانه آن افراد متعددی از نسل‌ها و سلاطین مختلف را به خود دیده است. در این مدت ۱۶ نفر ریاست اجلاس‌های مجلس را بر عهده داشته‌اند. نکته حائز اهمیت، تفاوت‌های نسلی و فکری رئیس‌ان مجلس شورا است. این امر بیانگر توانایی مجلس شورا به‌عنوان یک نهاد سیاسی، در جذب و پذیرش نسل‌ها و افکار متفاوت و تطبیق‌پذیری آن است.

جدول (۱): رؤسای مجالس شورا در ادوار مختلف

مدت دوره	نام رئیس مجلس	مدت زمان ریاست
دو ساله	مرتضی قلی خان صنیع الدوله	یک دوره
	میرزا صادق مستشارالدوله	یک دوره
	میرزا حسین پیرنیا (مؤتمن الملک)	چهار دوره
	دادگر (عدل الملک)	سه دوره
	میرزا حسن خان اسفندیاری (محتشم السلطنه)	چهار دوره
	سید محمد صادق طباطبایی	یک دوره
	رضا حکمت (سردار فاخر)	پنج دوره
	آیت الله کاشانی - عبدالله معظمی	یک دوره
چهارساله	عبدالله ریاضی	چهار دوره
	اکبر هاشمی رفسنجانی	دو دوره
	علی اکبر ناطق نوری	دو دوره
	مهدی کروبی	دو دوره
	غلامعلی حداد عادل	یک دوره
	علی لاریجانی	سه دوره
	محمدباقر قالیباف	سه سال

۲-۲-۲. پیچیدگی

پیچیدگی مجلس شورا و ارتباط آن با جامعه ایرانی از دو طریق بررسی تناسب میان وزن عددی نمایندگان و جامعه همچنین پیچیدگی های درون ساختاری این نهاد برای نظارت و پیگیری خواسته های جامعه قابل بررسی است. بر اساس اصل ۶۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۲۷۰ نفر بود که پس از هر ده سال، در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی، به نسبت هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده اضافه می شد. این اصل پس از بازنگری در سال ۱۳۶۸ حداکثر تغییر را به ۲۰ نفر محدود ساخت و از سوی دیگر، به جای تأکید بر عامل جمعیت، بر «عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها» تأکید شد.

تغییر مذکور در اصل ۶۴ قانون اساسی و تفسیرهای متعدد، زمینه ساز افزایش بی عدالتی در وزن عددی نمایندگان مجلس با جمعیت کشور شد. ارزیابی انجام شده حاکی از آن است که وزن تعداد نمایندگان در برخی از استان ها با میانگین کشوری تناسب ندارد. علاوه بر فقدان تناسب میان استان ها، در نتیجه ترسیم نامناسب

مرزهای حوزه‌های انتخابی درون استانی، توزیع نامتوازن نماینده در درون استان‌ها نسبت به جمعیت نیز وجود دارد (میراحمدی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳-۴۶). بنابراین بی‌عدالتی عمیقی بر تناسب وزن عددی نمایندگان مجلس با جمعیت از نظر استانی و همچنین درون استانی وجود دارد.

از منظر پیچیدگی ساختاری، هیئت‌رئیس، کمیسیون‌ها، فراکسیون‌ها و احزاب، از جمله مهمترین عناصر مجلس شورا می‌باشند که نوع کارکرد و توانایی آنها، تأثیرات فراوانی بر عملکرد مجلس شورا خواهد داشت. هیئت‌رئیس مهمترین رکن اثرگذار در مجلس شورا است. از جمله مهمترین وظایف هیئت‌رئیس می‌توان به نظارت بر کلیه امور اداری، مالی، استخدامی و سازمانی مجلس، مدیریت جلسات اشاره کرد. شایان ذکر است رئیس مجلس از وظایف و اختیارات وسیعی از جمله عضویت در شورای موقت ریاست جمهوری، نظارت بر تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضویت در شورای عالی امنیت ملی، عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضویت در شورای عالی استان‌ها (بهنیا، ۱۳۸۵، ص. ۲-۷) برخوردار است. این وظایف و اختیارات گسترده؛ به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ظرفیت بسیار مناسبی را برای تحکیم جایگاه مجلس؛ به‌ویژه رئیس مجلس به‌عنوان نماینده قوه مقننه در عرصه سیاست ایران فراهم کرده است. شعب و کمیسیون‌های تخصصی از دیگر عناصر درون ساختاری مجلس هستند که در ساماندهی وظایف و تقویت رویکردهای تخصصی آن نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کنند.

درنهایت، فراکسیون‌ها یا گروه‌های پارلمانی نیز در مجلس از ابتدای شکل‌گیری آن وجود داشته و به فعالیت می‌پردازند. در کشورهای برخوردار از نظام سیاسی حزبی، نمایندگان یک حزب، یک گروه پارلمانی را تشکیل می‌دهند. در این‌گونه نظام‌های سیاسی، پیوستگی میان فراکسیون‌ها و احزاب وجود دارد (اولسون، ۱۳۸۲، ص. ۷۲). برخی صاحب‌نظران در این حوزه معتقدند که گروه‌ها و فراکسیون‌های پارلمانی، هسته اولیه و مرکزی نخستین احزاب سیاسی در قرن نوزدهم در اروپا هستند (دوورژه، ۱۳۵۷، ص. ۱۶۲). در ابتدای شکل‌گیری مجلس، فراکسیون‌ها کارکرد حزبی داشتند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴، ص. ۱۹)؛ ولی به‌مرور زمان با عنایت به فشارهای نظام سیاسی بر احزاب و نبود حزب منسجم در عرصه سیاسی ایران، فراکسیون‌ها کارکرد حزبی را از دست داده و بیشتر حول موضوع‌های محلی و غیرملی شکل می‌گیرند.

۲-۳. استقلال

کارکرد اصلی مجلس در مشروط‌سازی و تحدید نظام سیاسی، موجب شکل‌گیری تقابل‌هایی با نظام سیاسی شده است. به دلیل منافع متضاد بازیگران، بازی با حاصل جمع ثابت (صفر) میان بازیگران برقرار شده است (ونتسل، ۱۳۷۲، ص. ۸). در همین راستا، نظام سیاسی از ابتدای شکل‌گیری مشروطه، از استراتژی ترکیبی و چندوجهی چون؛ حذف و تعلیق فعالیت‌های مجلس، مداخله در انتخاب نمایندگان مجلس (سفری، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۷)، تهدید و فشار (ازغندی، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۰) و درنهایت تقویت نهادهای انتصابی برای تضعیف نقش مجلس استفاده کرده است.

سه مورد نخست در دوران پهلوی اول و دوم رواج داشته است ولی مورد چهارم، در دوران پس از انقلاب تشدید شده است. پس از انقلاب اسلامی نهادهای متعدد انتصابی در حوزه قانون‌گذاری؛ از جمله شوراها، عالی در زمینه‌های مختلف (مانند انقلاب فرهنگی، فضای مجازی، مسکن، اشتغال و آب و...) موجب شده است اختیارات مجلس شورای اسلامی؛ به‌ویژه در حوزه قانون‌گذاری به‌شدت کاهش یافته و استقلال آن تضعیف شود. در کل، بررسی وضعیت موجود حاکی از آن است که این استراتژی، قوی‌ترین و کارآمدترین است.

۲-۴. انسجام

انسجام در پارلمان‌های غربی، بر انضباط حزبی متمرکز شده (Sieberer, 2006, p. 151) ولی خلأ وجود احزاب کارآمد و تغییر کارکرد و تضعیف جایگاه فراقسیون‌ها، تضعیف انسجام داخلی مجلس را در پی داشته است. به‌نحوی که در دوره اخیر مجلس شورای اسلامی، پنجاه فراقسیون مورد پذیرش هیئت‌رئیس قرار گرفته است. در این میان، تنها دو فراقسیون انقلاب اسلامی (اکثریت) و مستقلین ولایی (اقلیت) دارای ماهیت سیاسی هستند و بقیه فراقسیون‌ها در قالب موضوع‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی صنفی ایجاد شده‌اند. (کلانتری، ۱۴۰۰)

شایان ذکر است یکی از مهمترین وظایف مجلس شورا، انجام مؤثر مأموریت‌های قانون‌گذاری و نظارت با هدف تأمین نیازهای کل جامعه است (Beetham, 2007, p. 7). از دست دادن انسجام کارکردی و نهادی مجلس شورا و حرکت آن به سمت انسجام محلی و خرد، زمینه انحراف مجلس از پیگیری خواسته‌های جامعه به‌عنوان یک کل به‌هم‌پیوسته را فراهم کرده که درنهایت به تنزل جایگاه آن در جامعه منجر شده است. به بیان دقیقتر، توجه به منافع گروهی و محلی، مخاطرات فراوانی برای تمامیت مجلس و منافع عمومی به همراه خواهد داشت. (جلالیان، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۴)

۲-۳. ارزیابی بحران نهادمندی

ارزیابی میزان نهادمندی احزاب سیاسی و مجلس شورای اسلامی بر اساس الگوی هانتینگتون حاکی از آن است که مشکلات مهمی در سطوح مختلف در این دو نهاد سیاسی وجود دارد که کارکردهای آنها را تحت تأثیر قرار داده است. مهمترین کاستی، عدم استقلال و وابستگی هر دو نهاد، به نظام سیاسی است در صورتی که این امر مهمترین کارویژه آنها که میانجیگری میان جامعه و نظام است را با چالش‌های اساسی مواجه ساخته است. از سوی دیگر جریان مذهبی با وجود سابقه طولانی، نتوانسته‌اند متناسب با تحولات جامعه ایرانی خود را تطبیق داده و از همبستگی مکانیکی به سمت همبستگی ارگانیکی که نیاز جامعه پیچیده امروزی است، حرکت کند؛ بنابراین در مجموع کارکرد نهادهای سیاسی در فقدان تطبیق‌پذیری با تحولات عصر جدید، پیچیدگی متناسب با جامعه ایرانی، استقلال از نظام سیاسی و انسجام درونی با چالش‌های اساسی مواجه شده و زمینه‌ساز کاهش اعتماد نهادی شده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول (۲): نقاط ضعف و قوت نهادها بر اساس الگوی هانتینگتون

نهادهای سیاسی		تطبیق‌پذیری		پیچیدگی		استقلال		انسجام	
ضعف	قوت	ضعف	قوت	ضعف	قوت	ضعف	قوت	ضعف	قوت
عدم همسویی با تغییرات در جامعه و عقب‌ماندگی از تحولات	سابقه طولانی و کاهش چالش‌های چابک‌رینی	غفلت از تسلی‌های جدید و طبقات مدرن	گسترده‌گی وسیع جغرافیایی و ایجاد نظام سلسله‌مراتبی	وابستگی به قدرت و تنگ کردن دایره رقابت مدتی	حرکت به سمت کسب قدرت	تأکید بر همبستگی و مکاتباتی و غفلت از تحولات توفین	انجام تشکیلاتی و سازمانی و تقویت پیش‌بینی‌پذیری		
نهادهای سیاسی		تطبیق‌پذیری		پیچیدگی		استقلال		انسجام	
ضعف	قوت	ضعف	قوت	ضعف	قوت	ضعف	قوت	ضعف	قوت
عمر کوتاه و عدم داشتن ریشه‌های تاریخی به دلیل وارداتی بودن	توتایی در جذب و پذیرش تسلاها و افکار متفاوت	عدم تناسب وزن عددی نمایندگان مجلس با جمعیت از نظر استانی	سازمان‌درونی وسیع و دارای کارکردهای گسترده (بویژه رئیس مجلس)	تحت تأثیر نظام سیاسی از طریق ایجاد تهاذهای موازی انتصابی و مداخله	حضور مداوم و پرفراز و نشیب با وجود مداخلات گسترده نظام سیاسی	فقدان احزاب قدرتمند و تمرکز فراکسیون بر مسائل محلی و منطقه‌ای	ساختارهای پیچیده و سازمان‌های درونی		

۳. آثار بحران نهادمندی بر فضای سیاسی ایران

همانگونه که مشاهده شد مجلس شورای اسلامی و احزاب سیاسی به عنوان دو نهاد مهم سیاسی با بحران نهادمندی مواجه شده‌اند که با توجه به اهمیت نهادها در دوران جدید آثاری به شرح زیر بر جامعه ایرانی و نهادها به همراه خواهد داشت.

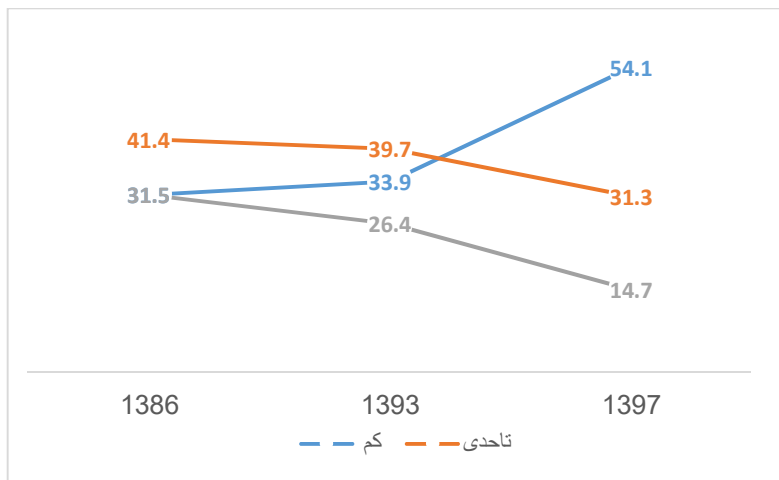
۳-۱. کاهش اعتماد به نهادها

اعتماد نهادی یا سیاسی به معنای میزان باور و پذیرش شهروندان جامعه به نهادهای عمومی (سردارنیا، بدری، & امینی زاده، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۳)، از این رو اعتماد نهادی می‌تواند مشارکت مدنی را تشویق و موجب حمایت جامعه از کارآمدی نهادها باشد (Kavanagh, Grace Carman, DeYoreo, Chandler, & Davis, 2020, p. 12) در همین راستا اعتماد نهادی معمولاً به‌عنوان یک مؤلفه مهم برای سنجش سلامت سیاسی یک دموکراسی (Hakhverdian & Mayne, 2012, pp. 4-5) و افزایش کارکرد نهادها می‌شود.

با عنایت به اهمیت اعتماد نهادی در دوران مدرن، بررسی میزان اعتماد به نهادها با پیمایش‌های ملی در دستور کار دولتها قرار دارد. در همین راستا، پیمایش‌هایی ملی تحت عنوان سرمایه اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ انجام شده است که با توجه به محدوده این پژوهش، اعتماد مردم به مجلس شورای اسلامی و احزاب سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای ایران مدرن مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱-۱. نمایندگان مجلس شورای اسلامی

پیمایش‌های ملی انجام شده حاکی از وضعیت نامناسب میزان اعتماد مردم به نمایندگان مجلس و روند کاهشی آن در طی سالیان اخیر است. این کاهش میان سال‌های ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۷ قابل توجه و نیازمند مذاقه بیشتر است. با توجه به اینکه نمایندگان مجلس از جمله نهادهای انتخابی توسط مردم هستند، این امر اهمیتی بیشتری می‌یابد. این موضوع می‌تواند نشانه‌ای بر مشارکت توده‌ای جامعه ایرانی در انتخابات مجالس شورای اسلامی باشد. به عبارت دیگر با وجود عدم اعتماد به نمایندگان منتخب، حضور گسترده در انتخابات مجالس شورای اسلامی در قالب مشارکت توده‌ای و هیجانی قابل بررسی است.



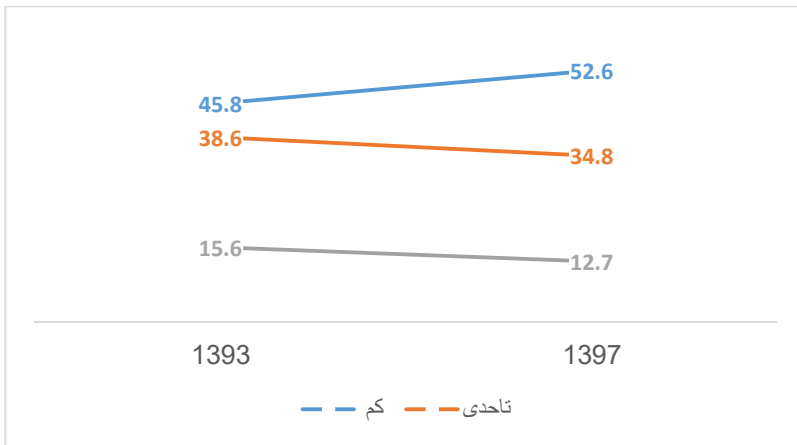
منبع: (پیمایش‌های سنجش سرمایه اجتماعی کشور، ۱۳۸۶، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷)

نمودار (۵): مقایسه روند اعتماد مردم به نمایندگان مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶-۱۳۹۷)

۳-۱-۲. احزاب سیاسی

با عنایت به اهمیت حضور احزاب در جامعه مدرن به‌عنوان میانجی، اعتماد مردم به این نهاد سیاسی از اهمیت فراوانی برخوردار است. پیمایش‌های انجام شده در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ بیانگر نرخ پایین اعتماد جامعه به احزاب سیاسی است.

همانند مجلس شورای اسلامی، احزاب سیاسی به‌مرور زمان از نرخ اعتماد آنها در جامعه کاسته شده است ولی نسبت به مجلس شورای اسلامی از روند کندتری برخوردار بوده است. با این حال در مجموع اعتماد به احزاب سیاسی کمتر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی است که به نظر می‌رسد به دلیل نقش مؤثرتر نمایندگان مجلس در ساختار قدرت سیاسی است.



منبع: (پیمایش‌های سنجش سرمایه اجتماعی کشور، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷)

نمودار (۶): مقایسه روند اعتماد مردم به احزاب سیاسی (۱۳۹۳-۱۳۹۷)

مطالب فوق حاکی از پایین بودن اعتماد مردم به نهادهای مدرن است و از سوی دیگر روندهای چندساله نیز حکایت از رشد بی‌اعتمادی به نهادها است. آنتونی گیدنز معتقد است در جوامع مدرن، به دلیل تغییر شرایط و تخصص‌گرایی ایجاد شده، اعتماد به افراد ناشناس ضروری شده است (گیدنز، ۱۳۷۷، ص. ۹۹-۱۰۱). به عبارت دیگر، در عصر جدید اعتماد باید عمومیت بیشتری یافته تا زمینه پیوندهای بزرگتر اجتماعی و سیاسی فراهم شود. در حالی که ارزیابی‌های انجام شده نشان می‌دهد نهادهای جامعه نتوانسته‌اند اعتماد شهروندان را جلب کنند. از این رو در گذار از دوران سنتی به مدرن، اعتماد نهادی منتقل نشده و در وضعیت نامناسبی قرار دارد. بحران نهادمندی و کارکرد نامناسب نهادهای مدرن در ایجاد تحول موجب شده است هیچ‌کدام از نهادها نتوانند کارایی لازم را برای ایجاد ارتباط میان دولت و جامعه برقرار سازند و به مرور جامعه به سمت خلأ نهادهای میانجی و کارآمد حرکت می‌کند. در این شرایط نه تنها نهادها کارایی خود را از دست خواهند داد بلکه زمینه شکل‌گیری آنها نیز از بین خواهد رفت. به بیان دیگر، جامعه ایرانی پذیرای نهادها نخواهد بود و یا حداقل شکل‌گیری آنها با مشکلات فراوانی مواجه خواهد شد.

۳-۲. ارجحیت منافع شخصی و گروهی

مهم‌ترین رکن شکل‌گیری کنش ارتباطی عقلانی و منصفانه، هماهنگی میان منافع شخصی و عمومی با محوریت منافع عمومی است. (هابرماس، ۱۳۸۴، ص. ۳۹۱)

بنابراین تقدم منافع جمعی بر منافع شخصی، کلید رسیدن به هماهنگی و مفاهمه است. در این راستا، نهادهای مدنی و سیاسی در جامعه ایرانی به‌عنوان بازیگران مدنی باید قدرت تلطیف منافع شخصی در برابر منافع عمومی را داشته باشند. در ایران، شکاف‌های سه‌گانه فرهنگی در حوزه‌های ایران قدیم، اسلامی و غربی از گذشته تاریخی وجود داشته است. در این میان تقابل میان فرهنگ غربی و اسلامی در حکم بازی با حاصل جمع صفر است که امکان تقلیل منافع فردی به سمت منافع جمعی را تضعیف کرده است (بشیریه، ۱۳۸۰، ص. ۲۹). علاوه بر وجود شکاف‌های مذکور در عرصه فرهنگ، از دو جنبه اجتماعی با آغاز فرآیندهای نوسازی از جمله شهری شدن، باسوادتر شدن، صنعتی‌تر شدن (جلائی‌پور، ۱۳۹۲، ص. ۴۹۸) و از جنبه سیاسی با گسترده شدن فضای مشارکت، در فقدان نهادها میانجی، برشده و دامنه تنازعات افزوده شده است.

تقابلهای تاریخی میان تمدن اسلامی و غربی پس از انقلاب اسلامی، با انبساط فضای سیاسی میان نیروها و لایه‌های سنتی (تمدن اسلامی) با نیروها و لایه‌های مدرن (تمدن غربی) شکل گرفت که در نهایت منجر به خروج نیروها و لایه‌های مدرن از قدرت شد (بشیریه، ۱۳۷۸، ص. ۸۱). این دو گروه در موارد متعددی از جمله نحوه اداره کشور، شکل‌گیری نهادهای رسمی، سیاست خارجی، صدور و پیشبرد آرمان‌های انقلابی دارای اختلاف‌نظر و دیدگاه بودند. تنازعات میان دو رویکرد در ابتدا با اشغال سفارت در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و سقوط دولت موقت و در نهایت با رأی به عدم کفایت مجلس به بنی‌صدر، موجب خروج کامل جریان مدرن از درون ساختار قدرت، و یکپارچگی سیاسی شد (شفیعی‌فر، ۱۳۸۷، ص. ۹۵-۹۸).

گسست دوم میان نیروها و لایه‌های سنتی با گرایش‌های اشرافی-بازاری-سنتی و خرده‌بورژوازی-رادیکال-سنتی پدید آمد. این تنازعات در سایه تأکید بر منافع گروهی، سرانجام موجب انحلال حزب جمهوری در سال ۱۳۶۶ (بشیریه، ۱۳۷۸، ص. ۸۲) و شکل‌گیری مجمع روحانیون مبارز متشکل از گروهی از روحانیون چپ‌گرا و انشعاب از تشکیلات روحانیت مبارز تهران شد. دودستگی ایجاد شده زمینه‌ساز پایان استیلای یک گفتمان در فضای سیاسی ایران شده (دلوری، ۱۳۷۸، ص. ۴۴۶-۴۴۸) و مجدداً فضایی برای تعامل و تعارض ایجاد شد.

انتخابات ریاست جمهوری هفتم با مشارکت گسترده مردم و علیرغم پیش‌بینی‌ها (داد، ۱۳۷۷، ص. ۲۰) با پیروزی آقای خاتمی همراه شد. با شروع بکار دولت اصلاحات، تحولات و دگرگونی‌های فراوانی در فضای سیاسی و فرهنگی کشور

ایجاد شد. گسترش مطبوعات و افزایش فعالیت‌های گروهها و شخصیت‌های سیاسی نمونه‌هایی از بسط و توسعه فضای سیاسی کشور بود (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۸). گسترش فضای باز سیاسی، تأثیر عمیقی بر جامعه ایرانی نهاده و فعالیت‌های سیاسی درون جامعه را نیز گسترش داد. توسعه فعالیت‌های سیاسی پس از دوران انسداد سیاسی در جامعه، زمینه‌ساز افزایش حساسیت‌های سیاسی در جامعه و درنهایت توسعه تقابل‌ها میان تشکلهای سیاسی در جامعه در فقدان وجود نهادهای میانجی و تأکید بر منافع گروهی و حزبی شد.

پیروزی جناح چپ در انتخابات مجلس ششم تضاد سیاسی را تشدید کرد. در مرحله نخست تقابل سنگینی میان جناح چپ به‌ویژه مجلس ششم و نهادهای حاکمیتی طرفدار جناح راست به وجود آمد. در این راستا دولت و مجلس ششم طرح‌ها و لوایح متعددی با عناوینی چون طرح اصلاح قانون مطبوعات (برای کاهش محدودیت‌ها برای نشریات و ایجاد مصونیت بیشتر در برابر توقیف‌های قوه قضائیه)، طرح منع شکنجه و جرم سیاسی (با هدف کاهش فشار بر فعالین سیاسی)، لایحه تبیین اختیارات رئیس‌جمهور (برای تقویت جایگاه آن) و لایحه اصلاح قانون انتخابات (با هدف تضعیف یا حذف نظارت استصوابی) را ارائه کردند که با مخالفت شورای نگهبان و جناح راست مواجه شد. تقویت اختلافات میان شورای نگهبان با مجلس ششم، زمینه‌ساز رد صلاحیت تعداد قابل‌توجهی از اصلاح‌طلبان از انتخابات مجلس هفتم شد (شفیعی فر، ۱۳۸۷، ص. ۳۰۳-۳۲۰). اصرار و پافشاری هر یک از جناحین بر منافع گروهی، موجب شد منافع عمومی تحت شعاع قرار گیرد.

تنازع گفتمانی میان جریان‌های سیاسی پس از انقلاب اسلامی با تأکید بر منافع گروهی، تنش‌های پایداری را ایجاد کرده است. از سوی دیگر گسترده شدن فضای مشارکت این تقابل‌ها را به درون جامعه منتقل کرده است زیرا گروه‌های سیاسی برای دستیابی به اهداف و منافع خود و در راستای افزایش قدرت چانه‌زنی با سایر رقبا، بر شکاف‌های ایجاد شده تأکید می‌کنند. تقویت تأکید بر شکاف‌ها و تفاوت‌ها برای کسب قدرت اجتماعی بیشتر، منجر به قطبی‌تر شدن جامعه و تأکید بر منافع گروهی خواهد شد. در این شرایط، هرگونه مصالحه و امتیازدهی به دلیل قطبی شدن، به معنای باخت و شکست تلقی می‌شود. از این‌رو امکان توافق و شکل‌گیری ائتلاف در میان آنها به حداقل می‌رسیده است. در نتیجه تاریخ سیاسی ایران، تاریخ مجادله‌ها و منازعه‌های سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی بوده است تا تاریخ منازعه گروه‌ها با نظام حاکم؛ بنابراین تنازع میان دولت و جامعه مدنی به درون جامعه مدنی

منتقل شده و هر روز جامعه را در برابر حکومت تضعیف کرده است. از سوی دیگر انتقال تنازعات سیاسی به درون جامعه موجب توسعه سیاست‌زدگی و تقویت نگاه سیاسی به مسائل شده است.

۳-۳. تقدم مشارکت بر فرهنگ رقابت

از نظر تاریخی سه روند برای تحلیل تقدم مشارکت و رقابت وجود دارد. در روند نخست، ابتدا فرهنگ سیاسی رقابتی در میان گروه‌های حاکمه ایجاد و بعدها با مشارکت گسترده‌تر و ورود گروه‌های اجتماعی دیگر به این عرصه، قواعد مذکور با سهولت در مقیاس وسیع‌تری گسترش می‌یابد. دوم پیشی گرفتن مشارکت بر رقابت سیاسی است که مختص کشورهایی است که در مرحله متأخرتری وارد روند توسعه سیاسی شده‌اند. سوم اینکه مشارکت و رقابت سیاسی هر دو باهم رشد کنند. (بشیریه، ۱۳۷۸، ص. ۴-۵).

در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی و با رفع انسداد سیاسی، مشارکت به سرعت گسترش یافته و منجر به افزایش رقابت‌ها شد. در حالی که همچنان احزاب سیاسی به عنوان نهادهای میانجی نه تنها به دنبال بسط فضای رقابت نبودند، بلکه قواعد بازی مدنی را نادیده گرفته و بر حذف یکدیگر متمرکز شدند. این فرآیند در نهایت منجر به حذف تشکل‌های چپ و ملی‌گرا جریان اسلام‌گرا شد. نمونه دیگری که گسترش فضای سیاسی در فقدان زمینه‌های رقابت، چالش‌های بزرگی را به نظام سیاسی و جامعه تحمیل کرد، حوادث پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ بود.

با روی کار آمدن دولت آقای خاتمی، مطبوعات و نهادهای مدنی رشد کمی و کیفی قابل توجهی را تجربه کردند. به نحوی که تا اوایل سال ۱۳۷۹ تعداد روزنامه‌های سراسر کشور تقریباً چهار برابر شد و از سوی دیگر تیراژ روزنامه‌ها به عدد ۳ میلیون نسخه در روز رسید که چهار برابر سال ۱۳۷۵ بود. از سوی دیگر ۳۹ تشکل و حزب ثبت شده پیش از سال ۷۶ به ۸۲ گروه و حزب افزایش یافت (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۴، ص. ۳۴۵).

افزایش انبساط در فضای سیاسی کشور از نظر کیفی نیز موجب تغییراتی در فعالیت مطبوعات و احزاب و تشکل‌های سیاسی مؤثر بود. مطبوعات و احزاب سیاسی به عنوان تربیون‌های جبهه دوم خرداد، حملات شدیدی را علیه حزب مقابل آغاز کردند تا توازن قدرت را به نفع خود تغییر دهند. دولت هفتم نیز با ایجاد تغییرات گسترده در سطح وزیران و مدیران، فضای تعاملی میان دو جناح را به حداقل رساند

و منجر به واکنش مجلس پنجم و استیضاح و برکناری وزیر کشور شد؛ زیرا در طی مدت کوتاه فعالیت وزیر کشور (آقای نوری) ۷۵ مدیر ارشد و ۱۴۶ مدیرکل استانداری و وزارت کشور، ۳۴۰ نفر فرماندار و بخشدار، ۸۰ شهردار، ۴۵ مشاور وزیر و استاندار و ۹۲۴ دهمدار تغییر یافتند (طیری قاضی، ۱۳۸۰، ص. ۸۳۱) علاوه بر این تقابل میان دولت و جناح راست در موضوعاتی چون لایحه تبیین اختیارات رئیس‌جمهور، دفاع دولت از شهردار تهران، حوادث کوی دانشگاه، نحوه برگزاری انتخابات و نظارت استصوابی شورای نگهبان و موارد دیگر تشدید شده و زمینه‌های مفاهمه و مذاکره را به حداقل رساند. مجلس ششم نیز با ارائه طرح‌هایی چون اصلاح قانون مطبوعات و از سوی دیگر اعتصاب و استعفا در روزهای پایانی مجلس ششم در اعتراض به رد صلاحیت‌ها فضای گفتگو را به حداقل رساند. به عبارت دیگر علاوه بر احزاب، مجلس شورای اسلامی نیز به‌عنوان دیگر نهاد سیاسی جامعه ایرانی به‌جای بسط فضای رقابت و حرکت به سمت گفتگو، منازعات را میان جریان‌های سیاسی کشور تشدید کرد.

در مقابل جناح راست نیز که در انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶ از ظرفیت‌های موجود در ساختار سیاسی در قوه قضائیه و شورای نگهبان به دنبال کاهش قدرت رقیب بود که این امر در مواردی چون تعطیلی گسترده مطبوعات و رد صلاحیت گسترده نامزدهای انتخابات مجلس هفتم نمود یافت. این روند در دوران دوم ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد ادامه یافت. در ابتدا دو جناح در مورد نتایج انتخابات قواعد بازی را نقض کرده و تنش‌ها را به درون جامعه کشاندند. اردوکشی خیابانی پس از اعلام نتایج انتخابات و اصرار نامزد جناح اصلاح‌طلب به تقلب و عدم پذیرش نتیجه از یک‌سو و اظهارات تقابلی آقای احمدی‌نژاد و عوامل دیگر بر تنش‌ها افزود و کشور را طی چند ماه با چالش‌های اساسی روبرو ساخت. از سوی دیگر در ادامه کار دولت دوم احمدی‌نژاد، تقابل‌های وی با ارکان نظام در فقدان رعایت اصول اولیه بازیگری مدنی، بحران‌هایی را برای کشور به وجود آورد.

در مجموع تحولات سده اخیر و ریشه‌های موجود اختلافی در گذشته، موجب شده توازنی میان مشارکت و رقابت برقرار نشود. از جمله مهم‌ترین دلایل، مغفول ماندن آموزش مدنی برای بسط فضای رقابت است. آموزش‌های مدنی به دنبال انتقال آگاهی‌هایی است که عامه مردم را برای احراز شأن شهروندی در جامعه مردم‌سالار و حضور در زندگی سیاسی به شیوه‌ای دمکراتیک آماده سازد. علاوه بر شهروندان، سیاستمداران نیز در عصر جدید نیازمند آموزش مدنی برای احراز پست‌های سیاسی

هستند (بشپریه، ۱۳۸۰، ص. ۱۳-۱۴). نهادهای سیاسی در جامعه مدرن مهمترین رکن آموزش در جامعه هستند. بحران نهادمندی در جامعه ایرانی موجب شده امر آموزش عموم مردم و مسئولین مغفول بماند.

۳-۴. افزایش خشونت سیاسی

خشونت سیاسی از نظر ساندرز به معنای شورش، کودتا، مرگ بر اثر خشونت، ترور، اعتصاب و تظاهرات است (ساندرز، ۱۳۸۰، ص. ۴۲). در این پژوهش، آن دسته است خشونت‌های سیاسی موردنظر است که ارتباط مستقیمی با بحران نهادمندی در جامعه ایرانی دارد. به بیان دقیق‌تر خشونت سیاسی موردنظر تا حدی ناشی از ناتوانی نخبگان سیاسی در تحمل گسترش مستمر و مداوم حقوق و امتیازات سیاسی (گر، ۱۳۷۷، ص. ۱۷۵-۱۷۶) است.

در همین رابطه، بررسی تاریخ خشونت سیاسی در ایران حاکی از آن است که در بسیاری از مواقع، خشونت سیاسی پس از یک دوره گشایش سیاسی و در ناترازی مشارکت و فرهنگ رقابت صورت گرفته است. به‌طور اساسی، پیش از دوران مشروطه، تسلط ساختارهای سنتی بر جامعه، اجازه خشونت سیاسی در جامعه را نمی‌داد و خشونت‌ها در تقابل برای کسب قدرت سیاسی میان قبایل صورت می‌گرفت. اولین تقابل‌ها پس از انقلاب میان میانه‌روها و انقلابیون شکل گرفت. این دو گروه رویکردهای متفاوتی در رابطه با نحوه اداره امور داخلی و خارجی داشتند. نخستین مرحله این اختلاف، با تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان و حمایت رهبر انقلاب از آن به اوج رسیده و منجر به سقوط دولت موقت شد. در ادامه این تقابل با انتخاب بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور و رجایی به‌عنوان نخست‌وزیر وارد مرحله جدید و پرتنشی شد. در این شرایط، سازمان مجاهدین خلق به‌صورت رسمی اعلام مبارزه مسلحانه با نظام سیاسی مستقر را صادر کرده و دوره‌ای از ترور و خشونت سیاسی علیه مقامات و مردم را سازماندهی کردند. حملات گسترده به مقامات رسمی، روحانیون و طرفداران انقلاب اسلامی به شهادت ۵۰۴ نفر شد. علاوه بر این، درگیری‌هایی در ابتدای انقلاب در مناطق ترکمن‌نشین، کردستان، آذربایجان، خوزستان و بلوچستان تحت تأثیر فعالیت‌های قومی و همچنین گروه‌های چپ به‌منظور بهره‌برداری سیاسی شکل گرفت (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۴، ص. ۴۲۷-۴۵۶).

در سالهای آغازین انقلاب اسلامی خشونت‌های سیاسی به دلیل انبساط سیاسی به اوج خود رسید. ولی به‌مرور زمان و با تسلط حزب جمهوری و به حاشیه رانده شدن

سایر احزاب و تشکل‌های سیاسی به‌مرور فروکش کرد. به‌نحوی که باوجود تصویب قانون احزاب در سال ۱۳۶۰، به اجرا در نیامده و فعالیت گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی در سایه جنگ تحمیلی محدود و تضعیف شد (شفیعی‌فر، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۸-۱۳۹).

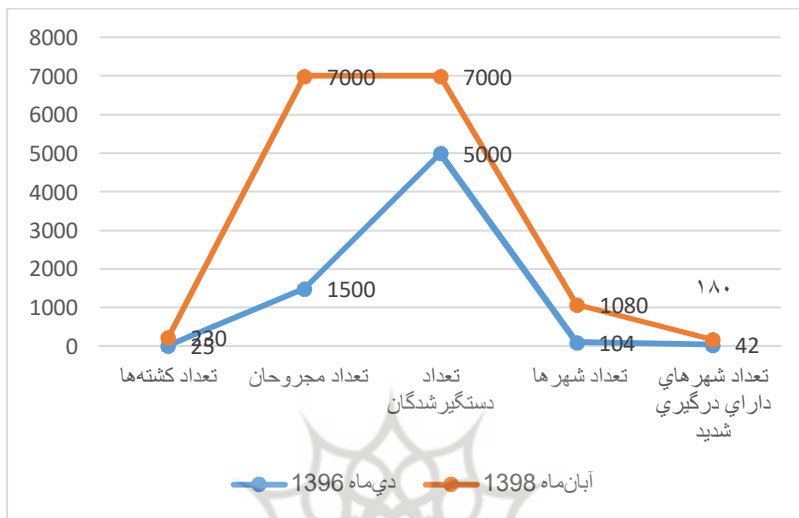
با پایان جنگ و رفع خطر دشمن داخلی، محدودیت‌های ایجاد شده در فضای سیاسی به‌مرور کاهش یافت و رقابت سیاسی تقویت شد. از نخستین نتایج آن ایجاد شکاف در جریان سیاسی حاکم و شکل‌گیری دو جناح به اصطلاح راست به نمایندگی جامعه روحانیت مبارز و در مقابل جناح چپ به نمایندگی مجمع روحانیون مبارز بود. این روند با اعلام موجودیت حزب کارگزاران و در ادامه پیروزی نیروهای چپ و مدرن در انتخابات ۱۳۷۶ به اوج رسید.

پس از سال ۱۳۷۶ فضای سیاسی انبساط بیشتری یافته و تقابل‌ها در فقدان نهادهای میانجی کارآمد افزایش یافت. ازجمله مهم‌ترین آنها حوادث کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸ و مناقشه انتخاباتی به‌واسطه رد صلاحیت ۸۷ نفر از نمایندگان مجلس ششم بود. گسترش تحرکات سیاسی در جامعه و نهادهای سیاسی حساسیت‌های گروه‌های رقیب را افزایش داد. روند تقابل رو به افزایش نهاد و تنها پس از یک سال از شروع بکار دولت جدید، در سال ۱۳۷۷ با تعطیل کردن برخی از مطبوعات طرفدار دولت توسط قوه قضائیه، استیضاح وزیر کشور توسط مجلس و تلاش برای تسری نظارت استصوابی به انتخابات شوراها به اوج خود رسید (دلآوری، ۱۳۷۸، ص. ۴۵۶-۴۵۹).

در دوران احمدی‌نژاد، مناقشات سیاسی در انتخابات ۱۳۸۸ به اوج خود رسید. در این دوره برای اولین بار مناقشات انتخاباتی که به‌طور معمول، پیش از برگزاری انتخابات و بر رد صلاحیت‌ها متمرکز بود، به پس از انتخابات و متوجه شخص پیروز انتخابات شد. اعتراضات سیاسی در این مرحله دارای تنوع طبقاتی، فراگیری بیشتر جغرافیایی و درنهایت خشونت بیشتری نسبت به سال ۱۳۷۸ بود (حاتمی & احمدی، ۱۳۹۹، ص. ۵۸۰-۵۸۱).

اما تنش‌های ایجاد شده در سطح جامعه ایرانی مسکوت نمانده و در حوادث منتهی به پایان دهه ۹۰ منجر به خشونت‌های سیاسی گسترده در سطح جامعه ایرانی با جغرافیای وسیع شد. براساس آمار رسمی، تعداد بازداشت‌شدگان در اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، ۴۹۷۲ نفر اعلام شد. (عصر ایران، ۱۳۹۶) اما اعتراضات و ناآرامی‌های آبان ماه ۱۳۹۸ از نظر کمی و کیفی، گسترده‌تر از اعتراضات سال ۱۳۹۶ بود. در این اعتراضات که کمتر از یک هفته به طول انجامید، حدود هزار شعبه بانک، پانصد مرکز دولتی، سه هزار دستگاه خودپرداز، ۱۲۰ پمپ‌بنزین، هزار مغازه، دویست

فروشگاه زنجیره‌ای، پنجاه مرکز نظامی و هزار خودروی شخصی و عمومی مورد حمله اغتشاشگران قرار گرفت. طبق برآوردها، حداقل ۱۵ هزار میلیارد تومان خسارت به کشور وارد شد (فارس نیوز، ۱۳۹۹).



منبع: (سایت فارس و عصر ایران)

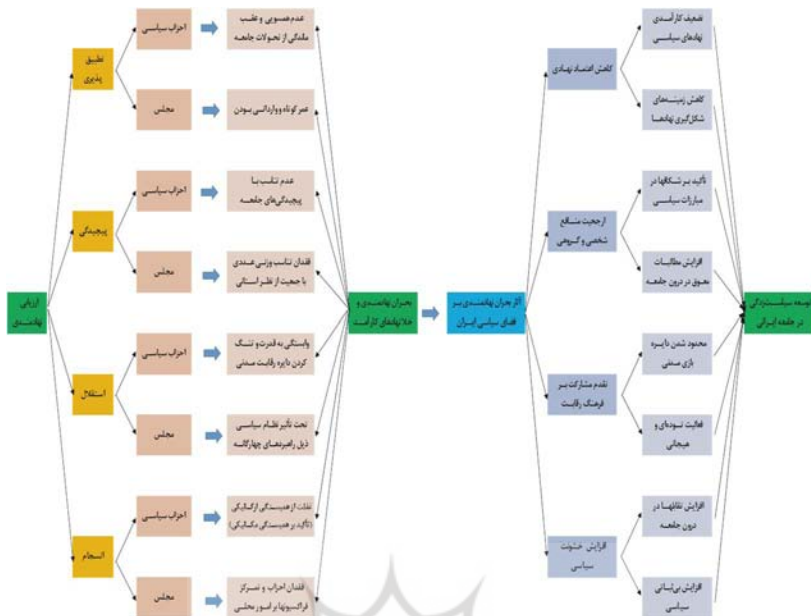
نمودار (۷): مقایسه خشونت سیاسی در اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸

مقایسه آمار استخراج شده از اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸، حاکی از روند صعودی افزایش خشونت در اعتراضات تنها با فاصله دو سال است. در دوره‌های مذکور، ابتدا مشارکت سیاسی به‌شدت افزایش یافته و امتیازهایی برای فعالیت احزاب و گروه‌ها از سوی حکومت در نظر گرفته شده است که موجب بسط فعالیت‌های حزبی و شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تقویت نهادهای سیاسی موجود از جمله پارلمان شد؛ ولی پس از مقاطع فوق، ساختار سیاسی به‌سرعت در پی محدودسازی امتیازات جامعه مدنی و کاهش مشارکت آن بوده است. در چنین وضعیتی، یک بن‌بست سیاسی برای مشارکت و هدایت انتظارات و مطالبات به‌ویژه سیاسی پدید آمد که خشونت و اعتراض، تنها راه برون‌رفت از این وضعیت بوده است؛ بنابراین توسعه فضای مشارکت سیاسی، در نبود زمینه‌های نهادی و فرهنگی مناسب و ابهام در کارکرد آنها، وجود محرومیت و همچنین سیاسی شدن اعتراض‌ها، زمینه‌ساز افزایش خشونت سیاسی در جامعه ایرانی شده است.

نتیجه‌گیری

جامعه پیچیده امروزی ایران، نیازمند توسعه نهادهای میانجی برای تجمیع مطالبات و توسعه فضای رقابت و تعامل سیاسی است. بحران نهادمندی در ایران موجب شده است که عنصر میانجی در روابط سیاسی میان دولت و جامعه تضعیف شود. این امر زمینه‌ساز توسعه خشونت سیاسی در ایران به‌ویژه دهه اخیر شده است؛ زیرا کانال‌های ارتباطی مسالمت‌آمیز میان جامعه و دولت دچار ضعف و کاستی شده‌اند. احزاب و مجلس شورای اسلامی به‌عنوان دو نهاد میانجی به دلایل متعدد از جمله عقب‌ماندگی از تحولات جامعه، تکیه بر شخصیت‌ها و مقامات سیاسی به‌جای مردم، فقدان انسجام داخلی و عدم تناسب با جامعه دچار بحران اعتماد عمومی شده‌اند که کارکردهای آنها را به‌شدت تضعیف کرده است.

از سوی دیگر مداخلات مؤثر ساختار سیاسی موجب شده است علاوه بر تضعیف کارکردهای نهادها، زمینه وابستگی بیشتر آنها به قدرت فراهم شود. وابستگی به قدرت موجب شده است که نهادهای سیاسی به‌جای تکیه بر مردم و حرکت در مسیر رفع مطالبات و خواسته‌های آنان، از بسیج سیاسی برای دستیابی به قدرت بیشتر بهره برده و فرهنگ رقابت را فدای مشارکت برای کسب قدرت سیاسی کنند. عدم توانایی نظام سیاسی و خلأ نهادهای کارآمد، به‌مرور حل مشکلات را سخت‌تر کرده و انتظارات برآورده نشده جامعه را افزایش می‌دهد. انتظارات فزاینده و روبه رشد جامعه از یک سو و انسداد سیاسی بوجود آمده به دلیل ضعف کارکرد نهادهای میانجی از سوی دیگر، زمینه‌ساز افزایش تقابل جامعه و نظام سیاسی خواهد شد؛ به عبارت دیگر در خلا نهادهای میانجی، تقابلهای جامعه و نظام سیاسی دو ویژگی خواهد یافت. نخست اینکه با تقابل مستقیم جامعه و دولت در خلا نهادهای میانجی مواجه خواهیم بود. دوم اینکه، تنوع و تکثر مطالبات امکان پاسخ‌گویی از سوی نظام سیاسی را مشکل ساخته و انتقادهای متوجه نظام سیاسی خواهد شد. نتیجه این امر، بکارگیری خشونت بیشتر از سوی جامعه در تقابل با نظام سیاسی است زیرا ابزار دیگری در دسترس جامعه برای ابراز مطالبات معوق وجود ندارد. در این شرایط سیاست‌زدگی به عنوان ویژگی جامعه تقویت شده و راهکارهای برون‌رفت نیز رنگ سیاسی به خود خواهد گرفت؛ به عبارت دیگر، به دلیل سیاسی‌شدن مطالبات، راهکارهای برون‌رفت (حتی در مسائل غیرسیاسی) نیز سیاسی می‌شود.



نمودار (۸): مدل نهایی

فهرست منابع

- ازغندی، ع. (۱۳۸۲). *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)*. تهران: انتشارات سمت.
- اسمیت، د. (۱۳۸۶). *برآمدن جامعه شناسی تاریخی*. (ه. آفاجری، مترجم) تهران: انتشارات مروارید.
- اولسون، د. (۱۳۸۲). *نهادهای مردمسالار قانون‌گذاری، دیدگاهی مقایسه‌ای*. (ع. طیب، مترجم) تهران: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۹۱). *بنیادهای فکری نظریه جامعه ایرانی*. تهران: نشر علم.
- آزاد ارمکی، ت. و جنادله، ع. (۱۳۹۳). *پیکربندی نهادی مبتنی بر موازنه قدرت در جامعه سنتی ایران (بازخوانی تحولات ایران از صفویه تا قاجاریه براساس رویکرد نهادگرایی تاریخی)*. *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره پانزدهم، شماره ۳.
- آزاد ارمکی، ت. و عالمی نیسی، م. (۱۳۹۱). *اختلال در انسجام کارکردی میان نهادهای جامعه، از نظریه تا شاخص‌سازی بومی*. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، دوره ۱، شماره ۴.
- آقابخش، ع. و افشاری راد، م. (۱۳۸۳). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: نشر چاپار.
- بشیریه، ح. (۱۳۷۸). *جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران: گفتارهایی در جامعه شناسی سیاسی*. تهران: موسسه نشر علوم نوین.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۰). *آموزش دانش سیاسی؛ مبانی علم سیاست نظری*. تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ دوم.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۰). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: گام نو.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۳). *عقل در سیاست*. تهران: نشر نگاه.
- بهنیا، م. (۱۳۸۵). *وظایف و اختیارات رئیس مجلس شورای اسلامی در مجموعه قوانین و مقررات کشور*. مرکز پژوهشهای مجلس، شماره مسلسل: ۷۷۵۶.
- ترنستروم، م. و ادبرگ، ل. (۱۳۹۵). *احزاب و نامزدها*. (م. دلفروز، مترجم) تهران: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- جاسبی، ع. و پرزاد، ر. (۱۳۹۴). *آسیب‌شناسی نقش نخبگان حزبی در عدم استمرار حزب جمهوری اسلامی*. *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۱۵.
- جلالیان، ع. (۱۳۹۶). *کارآمدی مجلس شورای اسلامی و راهکارهای ارتقای آن در حقوق داخلی*. *فصلنامه علمی راهبرد*، دوره ۲۶، شماره ۱.

- جلائی‌پور، ح. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌کژمدرن*. تهران: نشر علم.
- حاتمی، ع. و احمدی، س. (۱۳۹۹). تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی بی‌ثباتی‌های سیاسی در ادوار شش‌گانه حیات جمهوری اسلامی. *مطالعات اقتصاد سیاسی*، دوره سوم، شماره دوم.
- خواجه سروی، غ. و شاعری، م. (۱۳۹۳). جریان‌شناسی نیروهای سیاسی. *فصلنامه علمی راهبرد*، دوره ۲۳، شماره ۴.
- داد، ب. (۱۳۷۷). *صد روز با خاتمی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دارابی، ع. (۱۳۸۸). *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
- دلاوری، ا. (۱۳۷۸). *بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران*. استاد راهنما: دکتر احمد نقیب‌زاده، دانشگاه تهران.
- دورکیم، ا. (۱۳۹۳). *صور بنیانی حیات دینی*. (ب. پرهام، مترجم) تهران: نشر مرکز.
- دولت‌آبادی، ی. (۱۳۶۱). *حیات یحیی (جلد دوم)*. تهران: انتشارات عطار.
- دوورژه، م. (۱۳۵۷). *احزاب سیاسی*. (ز. علومی، مترجم) تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ساندرز، د. (۱۳۸۰). *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*. (ح. امانت، مترجم) تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سردارنیا، خ. بدری، ک. و امینی‌زاده، س. (۱۴۰۰). رابطه بین شبکه‌های اجتماعی و اعتماد نهادی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز). *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره ۱۰، شماره ۳۶.
- سفری، م. (۱۳۷۳). *قلم و سیاست*. تهران: نشر نارمک.
- شادلو، ع. (۱۳۷۹). *احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز*. تهران: نشر گستره.
- شادلو، ع. (۱۳۸۶). *تکثرگرایی در جریان اسلامی، ناگفته‌های تاریخی از علل پیدایش جریان راست و چپ مذهبی ۱۳۸۰ - ۱۳۶۰*. تهران: وزرا.
- شفیعی‌فر، م. (۱۳۸۷). *بحرانها و بی‌ثباتی‌ها در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۰-۸۴)*. استاد راهنما: دکتر حمید احمدی: دانشگاه تهران.
- طباطبایی، ج. (۱۳۹۲). *تأملی درباره ایران*؛ تهران: انتشارات مینوی خرد.
- طیری قاضی، ف. (۱۳۸۰). *استیضاح در نظام سیاسی ایران*. تهران: روزنگار.
- عصر/ایران، (۱۳۹۶، بهمن ۱۳). بازیابی از TaB002asriran.com/

- فارس نیوز. (۱۳۹۹، آبان ۲۹). بازیابی از <http://fna.ir/fnrm>
- فوران، ج. (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران (از صفویه تا سالهای پس از انقلاب)*. (ا. تدین، مترجم) تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فوزی توپسرکانی، ی. (۱۳۸۴). *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰)*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، موسسه چاپ و نشر عروج.
- فوکویاما، ف. (۱۳۹۸). *هویت*. (ک. منافی شرف‌آباد، & م. بهرام ارجاوند، مترجم) تهران: نشر هومیس.
- فیرحی، د. (۱۳۷۸). *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام (دوره میانه)*. تهران: نشر نی.
- فیرحی، د. (۱۳۹۶). *فقه و حکمرانی حزبی*. تهران: نشر نی.
- کلانتری، س. (۱۴۰۰، شهریور ۵). *ایرنا*. بازیابی از <https://irna.ir/xjFP>
- گر، ت. (۱۳۷۷). *چرا انسانها شورش می‌کنند*. (ع. مرشدی‌زاد، مترجم) تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت*. (م. ثلاثی، مترجم) تهران: نشر مرکز.
- مدیرشانه چی، م. (۱۳۷۵). *احزاب سیاسی ایران*. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۸۴). *آشنایی با تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران، دوره اول تا شانزدهم (۱۳۲۸-۱۳۸۵)*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی.
- میراحمدی، ف. (۱۳۹۹). *بررسی نسبت جمعیت حوزه‌های انتخابیه به تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی براساس سرشماری ۱۳۹۵*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۷۲۷۴.
- نوذری، ع. (۱۳۸۰). *تاریخ احزاب سیاسی در ایران*. شیراز: نوید شیراز.
- ونتسل، ا. (۱۳۷۲). *نظریه بازیها و کاربردهای آن در تصمیم‌گیری استراتژیک*. (ج. روشندل، و ع. طیب، مترجم) تهران: نشر قومس.
- هاپرماس، ی. (۱۳۸۴). *نظریه کنش ارتباطی*. (ک. پولادی، مترجم) تهران: موسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- هانتینگتون، س. (۱۳۸۲). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. (م. ثلاثی، مترجم) تهران: نشر علم.

- Bauer, M. & Ege, J. (2012). Politicization within the European Commission's Bureaucracy. *International Review of Administrative Sciences*, Vol. 78, No. 3.
- Beetham, D. (2007). *Parliament and democracy in the twenty-first century*. Switzerland: Inter-Parliamentary Union.
- Hakhverdian, A. & Mayne, Q. (2012). Institutional Trust, Education, and Corruption: A Micro-Macro Interactive Approach. *Journal of Politics* 74(3), 750-739.
- Kavanagh, J. Grace Carman, K. DeYoreo, M. Chandler, N. & Davis, L. E. (2020). *The Drivers of Institutional Trust and Distrust: Exploring Components of Trustworthiness*. Santa Monica: RAND Corporation.
- Mattlin, M. (2011). *Politicized Society: The Long Shadow of Taiwan's One-party Legacy*. (T.W. Ngo, Ed.) Copenhagen: Nordic Institute of Asian Studies.
- oxfordreference*. (2023). Retrieved from oxford:
<https://www.oxfordreference.com/display/10.1093/oi/authority.20110803100341729;jsessionid=75761467CC24C503E8C47BCD11ADE584>
- Palonen, K. (2003). *Four Times of Politics: Policy, Polity, Politicking, and Politicization*. *Alternatives: Global, Local, Political*.
- Peters, G. (2000). *Institutional Theory: Problems and Prospects*. Institut für Höhere Studien (HIS).
- Riste, O. (2009). *The Intelligence-Policy Maker Relationship and the Politicization of Intelligence*. (G. Treverton, & W. Agrell, Eds.) Cambridge University Press.
- Sieberer, U. (2006). Party unity in parliamentary democracies: A comparative analysis. *The Journal of Legislative Studies*, 12(2), 150-178.

References

- Aghabakhshi, A & Afsharirad, M (2004) *dictionary of political science*. Tehran: Chapar Publications [In Persian]
- Azadarmaki, T & AlamiNeisi, M (2012). Disruption in the functional coherence between the institutions of the society; From theory to local indexing, *Socio-Cultural Strategy*, 1(3) [In Persian]
- Azadarmaki, T & Janadleh, A (2014). Institutional configuration based on balance of power in traditional Iranian society, *Iranian Journal of Sociology*, 15(3), 29-64 [In Persian]
- Azadarmaki, T (2012). *Intellectual foundations of Iranian society theory*, Tehran: Elm Publication [In Persian]
- Bashiriyeh, H (1998). *Civil Society and Political Development in Iran*, Tehran: Olom e Novin Publication Institute [In Persian]
- Bashiriyeh, H (2001). *Obstacles to political development in Iran*, Tehran: publication of Gham-e-Noor [In Persian]
- Bashiriyeh, H (2001). *Teaching political knowledge*, Tehran: Negahe

- Moasser Publication [In Persian]
- Bashiriyeh, H (2003). Reason in Politics, Tehran: Negahe Moasser Publication [In Persian]
- Bauer, M. & Ege, J. (2012). Politicization within the European Commission's Bureaucracy. *International Review of Administrative Sciences*, Vol. 78, No. 3.
- Beetham, D. (2007). Parliament and democracy in the twenty-first century. Switzerland: Inter-Parliamentary Union.
- Behnia, M (2006). Powers and Authorities of Iranian Majlis Speaker, Islamic Parliament Research Center, No: 7756 [In Persian]
- Dad, B (1998). One hundred days with Khatami, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance [In Persian]
- Darabi, A. (2009). A Study of Political Current of Iran, Tehran: Organization of Publications of the Research Center for Islamic Culture and Thought [In Persian]
- Delavari, A. (1999). Investigating the roots of violence and political instability in Iran, (Supervisor by Dr A. Naghibzadeh), University of Tehran [In Persian]
- Dolatabadi, Y. (1982). The Life of Yahya, (Volume II), Tehran: Attar Publications [In Persian]
- Durkheim, E. (2014). The Elementary Forms of the Religious Life, (Translated by B. Parham), Tehran: Nashre Markaz [In Persian]
- Duverger, M. (1978). Political Parties, (Translated by R. Olomy), Tehran: Amir Kabir Publishers [In Persian].
- Feirahi, D. (1999). Power, knowledge and legitimacy in Islam (middle period), Tehran: Nashreney [In Persian].
- Feirahi, D. (2017). Jurisprudence and party governance, Tehran: Nashreney [In Persian].
- Foran, J. (1998). Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution, (Translated by A. Tadayon), Tehran: Rasa Cultural Services Institute [In Persian].
- Fouzi Tuyserkani, Y. (2005). Social political developments after the Islamic revolution in Iran (1978-2001), Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [In Persian].
- Fukuyama, F. (2019). Identity: The Demand for Dignity and the Politics of Resentment, (Translated by k. Manafi & M. Arjavad), Tehran: humis Publication [In Persian].
- Giddens, A. (1998). The Consequences of modernity, (Translated by M. Solasi), Tehran: Nashre Markaz [In Persian].
- Gurr, R. (1998). Why men rebel, (Translated by A. Morshedizad), Tehran: Research Institute of Strategic Studies [In Persian].
- Habermas, J. (2005). The Theory of Communicative Action, (Translated by K. Polady), Tehran: Publications Institute of Iran newspaper [In Persian].
- Hakhverdian, A. & Mayne, Q. (2012). Institutional Trust, Education, and

- Corruption: A Micro-Macro Interactive Approach. *Journal of Politics* 74(3), 750-739.
- Hatami, A. & Ahmadi, S. (2021). A Comparative Analysis of Political & Economic Components of political Instabilities in the Islamic Republic's Six Political Life, *International Political Economy Studies*, 3(2) [In Persian]
- Hatami, A. & Ahmadi, S (2021). A Comparative Analysis of Political & Economic Components of political Instabilities in the Islamic Republic's Six Political Life, *International Political Economy Studies*, 3(2) [In Persian]
- Huntington, S (2005). *Political order in changing societies*, (Translated by M.Solasi), Tehran: Elm Publication [In Persian]
- Islamic Parliament Research Center (2005); *Getting to know the history of legislative assemblies in Iran, the first to the sixteenth period (1906-1949)*, Tehran: Islamic Parliament Research Center [In Persian]
- Jalaeipour, H (2013). *Sociology of Iran*, Tehran: Elm Publication [In Persian]
- Jalalian, A (2017). Effectiveness of Parliament and Ways to Promote it in Domestic Law', *Strategy*, 26(1)[In Persian]
- Jasbi, A & Parizad. R (2015). Pathology of Role of Party Elites in Stopping the Life of Hizb-e Jomhuri-e Islami (HJB), *Islamic Revolution Research*, 4(15) [In Persian]
- Kalantari, S (2021) One parliament and so many Fraction, Retrieved in August 2021, from irna News Agency: <https://irna.ir/xjFP5f> [In Persian]
- Kavanagh, J. Grace Carman, K. DeYoreo, M. Chandler, N. & Davis, L. E. (2020). *The Drivers of Institutional Trust and Distrust: Exploring Components of Trustworthiness*. Santa Monica: RAND Corporation.
- Khajeh Sarvi, G & Shareei, M (2015). 'The Flow of Political Forces during the Years 1357-1362', *Strategy*, 23(4) [In Persian]
- Mattlin, M. (2011). *Politicized Society: The Long Shadow of Taiwan's One-party Legacy*. (T.W. Ngo, Ed.) Copenhagen: Nordic Institute of Asian Studies.
- Mirahmadi, F (2020). Study the ratio of the population of constituencies to the number of representatives of the Islamic Parliament based on the 2016 census, *Islamic Parliament Research Center*, No:17274 [In Persian]
- Modire Shanechi, M (1996). *Political parties of Iran*, Tehran: Rasa Cultural Services Institute [In Persian]
- Nozari, A (2001). *History of political parties in Iran*, Shiraz: navid Publication [In Persian]
- Olson, D (2003); *Democratic Legislative Institutions: a comparative view*, (Translated by A.Tayeb), Tehran: Islamic Parliament Research Center [In Persian]

- oxfordreference*. (2023). Retrieved from oxford:
<https://www.oxfordreference.com/display/10.1093/oi/authority.20110803100341729;jsessionid=75761467CC24C503E8C47BCD11ADE584>
- Palonen, K. (2003). Four Times of Politics: Policy, Polity, Politicking, and Politicization. *Alternatives: Global, Local, Political*.
- Peters, G. (2000). *Institutional Theory: Problems and Prospects*. Institut für Höhere Studien (HIS).
- Rahimi, A (2018). The statistics of the prisoners of the events of Dey, Retrieved in February 2018, from asriran News Agency: <https://asriran.com/002TaB> [In Persian]
- Riste, O. (2009). The Intelligence-Policy Maker Relationship and the Politicization of Intelligence. (G. Treverton, & W. Agrell, Eds.) Cambridge University Press.
- Safari, M (1994). Pen and politics, Tehran: Narmak Publication [In Persian]
- Sanders, D (2001). Patterns of political instability, (Translated by H.Amanat), Tehran: Research Institute of Strategic Studies [In Persian]
- sardarnia, K & Badri, K & aminizadeh, S. (2021). Relationship Between Social Networks and Institutional Trust; Case Study: Shiraz University Students, *Political Strategic Studies*, 10(36) [In Persian]
- Shadloo, A (2000). Political parties and factions of contemporary Iran, Tehran: gostareh Publication [In Persian]
- Shadloo, A (2007). Pluralism in the Islamic Current: Unsaid historical facts about the causes of the appearance of right and left religious currents 1981-2001, Tehran: vozara publication [In Persian]
- Shafieefar, M (2008) Crises and instabilities in the Islamic Republic of Iran (1981-2005), (Supervisor by Dr H. Ahmadi), University of Tehran [In Persian]
- Sieberer, U. (2006). Party unity in parliamentary democracies: A comparative analysis. *The Journal of Legislative Studies*, 12(2), 150-178.
- Smith, D (2013) *The Rise of Historical Sociology*, (Translated by H. Aghajari), Tehran: Morvarid Publication [In Persian]
- Tabatabai, J (2013). Reflection on Iran, Tehran: Minooye Kherad Publication [In Persian]
- Tayeri Ghazi, F (2001). Impeachment in the political system of Iran, Tehran: Roozneghar Publication [In Persian]
- Ternstrom, M & Oderberg, L (2016). Parties and Candidates, (Translated by M.Delfroz), Tehran: Islamic Parliament Research Center [In Persian]
- Ventzel, E (1993). Game theory and its applications in strategic decision making, (Translated by J.Roshandel & A.Tayeb), Tehran: Ghoomes Publishing Company [In Persian].
- Writers group Farsplus-magazine (2020) Diary of the events of Aban 98, Retrieved in February 2018, from fars News Agency: <http://fna.ir/f0rm6n> [In Persian].